



به بمب اتم نیاز نداریم

سید محمود نبویان، نماینده مجلس دوازدهم در حاشیه جلسه روز گذشته مجلس درباره ترور سیدحسن نصرالله گفت: «فقدان سیدحسن نصرالله بسیار خسارت بار است، اما جای نگرانی ندارد، چراکه شهید سلیمانی به شهادت رسید اما در محور مقاومت خللی ایجاد نشد و در ادامه هم خللی به جبهه مقاومت وارد نمی شود.» او ادامه داد: «سازمان‌های بین‌المللی الان کجا هستند؟ این سازمان‌ها در برابر جنایات رژیم صهیونیستی سکوت کرده‌اند و عملاً مشروعیت ندارند و گویا برای حمایت از ظالمان تشکیل شده‌اند.» نبویان در بخش دیگری گفت: «رژیم صهیونیستی رفتنی است، حتماً هم در این راه هزینه می‌دهیم و این موضوع بدون هزینه نیست، اما در نهایت رژیم صهیونیستی از بین خواهد رفت. حزب‌الله منتظر بود که رژیم صهیونیستی عملیات زمینی خود را آغاز کند و قطعاً حزب‌الله پیروز می‌شود.» او در پایان گفت: «ما به دنبال جنگ نیستیم، اما اگر اسرائیل بخواهد ما را بزند، همه مردم ما دنبال آن هستند که از منافع کشور دفاع شود. ما برای مقابله با اسرائیل در صورت تعرض به ایران، به هسته‌ای نیاز نداریم و نیاز به بمب اتم هم نداریم؛ اسرائیل بداند که ضربات جمهوری اسلامی ایران به رژیم صهیونیستی محکم خواهد بود و به نفع‌شان است که به سمت ایران نیایند.»



پزشکیان باعث تضعیف حزب‌الله شد

مجتبی رحماندوست، نماینده مجلس دوازدهم در جلسه علنی روز گذشته مجلس گفت: «ای کاش رئیس‌جمهور عزیزمان که یک پزشک است و خود گفت سیاست نمی‌داند از مشاوران خبره‌ای استفاده می‌کرد و در سفر نیویورک نمی‌گفت ما حاضریم به شرطی که اسرائیل سلاح از زمین بگذارد ما نیز سلاح خود را زمین می‌گذاریم.» او ادامه داد: «ای کاش حزب‌الله را تضعیف نمی‌کرد و نمی‌گفت حزب‌الله نمی‌تواند در مقابل اسرائیل بایستد و نمی‌گفت مذاکرات جدیدی با اروپایی‌ها داشته باشیم و ای کاش با معاونی که ادعا کرد ورود من به آمریکا ممنوع است همسفر نمی‌شد و ای کاش وزیر خارجه فعلی را مستقل از استاد قبلی خود به کار می‌گرفت.»



امکان تکرار حمله پبجری در ایران

رضا تقی‌پور، نماینده مجلس دوازدهم با حضور در یک برنامه تلویزیونی در واکنش به استفاده برخی نماینده‌ها از گوشی‌های آیفون گفت: «باید بگوییم که متأسفانه قطعاً این آسیب‌پذیری‌ها وجود دارد و جالب هم هست که به صورت علنی آی. او. اس یا سیستم عامل این دستگاه‌ها اصلاً اجازه نصب نرم‌افزارهای امنیتی را نمی‌دهند.» او ادامه داد: «یعنی کسی که گوشی آیفون دارد قطعاً نمی‌تواند نرم‌افزار امنیتی بومی را در آن نصب کند و این یعنی اینکه ما کاملاً و بدون هیچ مهار و بدون هیچ حفاظتی این تجهیزات را در اختیار کمپانی سازنده گذاشتیم، به این معنی که هر لحظه امکان دارد اتفاق مشابه آنچه که برای پیجرها در لبنان رخ داد بر روی اینها هم اتفاق افتاده باشد.»

اسطوره یا تاریخ؟

گفتارهایی در نقد و بررسی یک کتاب تازه منتشرشده درباره محمد مصدق



منصوره محمدی
خبرنگار گروه سیاست

محمد مصدق در خرد جمعی ایرانیان جایگاه ویژه و متفاوتی دارد؛ از نقش او در ملی کردن صنعت نفت گرفته تا جایگاه نخست‌وزیری و نمایندگی مجلس و دفاع او از ایران در دادگاه بین‌المللی لاهه. از همین روی در طول تاریخ به مصدق زندگی شخصی و سیاسی او بسیار پرداخته شده است. «از مصدق تاریخی تا مصدق اسطوره‌ای» عنوان کتابی است که علی اصغر سیدآبادی، نویسنده و روزنامه‌نگار به نگارش درآورده است. سیدآبادی در این کتاب تلاش می‌کند تا از مصدق یک

پدیدارشناسی داشته باشد و بفهمد مصدق در افکار عمومی مردم ایران چگونه پدیدار شده است و چه فرایندها و شرایطی باعث شد تا مصدق که به دلیل جایگاه خود یک شخصیت تاریخی داشت، به یک شخصیت اسطوره‌ای تبدیل شود. در این کتاب اسناد، آثار و مدارک کمتر دیده شده‌ای به کار برده شده است که بر جذابیت مطالعه اثر می‌افزاید. پرداختن به همین دوگانه تاریخ و اسطوره در شخصیت و زندگی مصدق در این کتاب موضوعی بود که به بهانه انتشار این کتاب مورد نقد و بررسی مورخان و نویسندگان قرار گرفت. علی بیگلری، استاد دانشگاه، فریدون مجلسی، استاد دانشگاه و کامیاب عابدی، نویسنده و پژوهشگر در نشست که به میزبانی شهر کتاب تجریش برگزار شد، گردهم آمدند تا نظرات خود را درباره این اثر تازه منتشرشده بیان کنند که در ادامه می‌خوانید.



مصدق و جاه‌طلبی‌اش

فریدون مجلسی

استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم

زمانی که ۲۸ مرداد به بیرون آمدیم بغض کرده بودیم و همه نگران بودند. تمام کالنتری‌ها در اشغال حزب توده بود. در آن سه روز (۲۵ تا ۲۸ مرداد) فعل و انفعالاتی در جریان بود و پلیس نبود. دکتر مصدق در آن روز سه رئیس شهر بانی عوض کرد و نمی‌دانم پاسپان‌ها کجا بودند. راهنمایی و رانندگی دست حزب توده بود و به آن‌ها گفته بودند باید خودتان را به جامعه نشان بدهید و بدانند شهر دست کیست. نگران بودیم که شاه رفته و مصدق کجاست و اینکه حزب توده همه جا را گرفته است یک نگرانی نسبت به آن داشتیم تا اینکه ۲۸ مرداد رخ داد. اولاده‌ها کتاب درباره دکتر مصدق نوشته شده و همه سعی می‌کنند از آغاز یچگی و ازدواج و این مسائل بگویند و اینها مهم نیست و همه تقریباً اینها را می‌دانند. اما اسم این کتاب من را سوسه کرد و انتظار داشتم مسئله اسطوره و تاریخ بالاسنی داشته باشد. برای اینکه من هم درباره مصدق و وجه تاریخی او خواندم و هم وجه اسطوره‌ای او را لمس کردم و می‌دانم. برای نمونه، من در ۱۲ ساله بود که مستوفی خراسان شد و دیروز زندگی نامه دیگری خواندم که نوشته بود مصدق ۱۵ ساله بود. شاید بگویید چه فرقی می‌کند که مصدق ۱۲ ساله باشد یا ۱۵ ساله، اما فرق دارد و فرق آن در این است که می‌خواهد بگوید اقتدری هم رانتخواری و پچه‌بازی نبوده است که یک بچه ۱۲ ساله را مستوفی بزرگترین استان کشور کنند. در همان جا نوشته شده است زمانی که مشروطه اتفاق افتاد همه گفتند مستوفی‌ها دزد هستند و بهتر است که من برگردم، اما نه، زمانی که مشروطه شد در واقع تمام احکام باطل شد. اینها را خواستند و آدم‌های دیگری گذاشتند حالا مصدق سالم بود و ثروتمند بود هم اما اینگونه نبود که به خواست خودش برگشته باشد. در جای دیگری ذکر شده است که خودش را برای نمایندگی مجلس اول کاندیدا کرد و خودش می‌گوید نماینده مردم اصفهان شد، اما در آن زندگینامه ذکر شده است که گذاشتند چنین کسی به خاطر یک بهانه که نظام نامه نوشته بود ۳۰ سال تمام

فریدون مجلسی:

تمام آرزوی
مصدق این بود که
نخست‌وزیر شود
و جاه‌طلبی چیزی
است که قابل
اغماض نیست و
او قربانی جاه‌طلبی
خودش شد. زمانی
که زندگی او را
بررسی می‌کنیم،
او نمی‌توانست
نخست‌وزیر باشد
اما «می‌خواست»
که باشد. مصدق
بهترین نماینده
مجلس بود،
اما می‌خواست
نخست‌وزیر باشد

دو اشتباه بزرگ دکتر مصدق

علی بیگلری

استاد دانشگاه و پژوهشگر تاریخ

نویسنده موضوع جالبی را برای این کتاب انتخاب کرده و تیتیر جذاب‌ی نیز انتخاب شده است. کتاب به خوبی ویرایش شده و خط و ربط کتاب به خوبی معلوم است. البته ایرادهایی دارد و براساس موازین ناظر بر روش تحقیق باید یکی از فصل‌های کتاب ارتباط مستقیمی با سوسه کتاب داشته باشد که جای آن در کتاب خالی است و عنوان کتاب به طور واضح و روشن در یکی از فصول کتاب ذکر نشده است. نویسنده به طور پراکنده به آن اشاره کرده اما جای آن بود که یک فصل به آن اختصاص می‌دادند. مسئله دیگری که برای من جالب بود مجموعه اطلاعاتی است که به خواننده داده می‌شود. در این کتاب منابع جدیدی دیده شده که خود من هم این منابع را با وجود تخصصی که در تاریخ معاصر دارم ندیده بودم. به‌ویژه در این کتاب از تاریخ شفاهی‌های بسیاری استفاده شده که خیلی خوب است. گاهی گرایش‌های شخصی ایشان در کتاب کاملاً مشهود است و عیبی ندارد که نظر نویسنده مشخص باشد اما گاهی سراغ مصدق رفتند و گاهی امتیازاتی به حزب توده دادند. برای مثال در یکی از فصل‌ها نوشته‌اند چرا دکتر مصدق با حزب توده در ۲۸ مرداد ائتلاف نکرد. البته این برداشت من است و شاید برای ایشان این سوال وجود داشته باشد در حالی که در خود کتاب، نویسنده ذکر کرده که کیانوری در روز ۲۵ مرداد و یا قبل از آن به دکتر مصدق می‌گوید که کودتایی در پیش است و نمی‌شود به همین جمله اکتفا کرد. ضدیت حزب توده با دکتر مصدق یک امر روشن است. البته دکتر مصدق در همان روزهای نزدیک به کودتا و در فاصله بین ۲۵ تا ۲۸ مرداد اخبار و اطلاعاتی از حزب توده دریافت می‌کند، چراکه شاخه نظامی آن بسیار فعال بود و مقداری از این شرایط استفاده کرده است. اما نویسنده نظر خود را که البته حق دارد در کتاب منعکس کند، با نوعی پراکندگی بیان می‌کند.

در جایی نویسنده از دکتر مصدق انتقاد کرده اما انتقادهای خیلی جذاب و دلنشینی نیست. نظر من این است که اولین اشتباه دکتر مصدق این بود که نخست‌وزیر شد. جالب اینجاست که دو مرتبه قبل از نخست‌وزیری، تقاضای نخست‌وزیری می‌کند و رای نمی‌آورد و تمام تلاش دربار و انگلیس این بود که دکتر مصدق را از مجلس بیرون بکشند و این مسئله جا داشت که توسط نویسنده خیلی بیشتر پرداخته شود. عامل اصلی سقوط دکتر مصدق نخست‌وزیری او بود و اشتباه بزرگ او این بود که نخست‌وزیر شد. زمانی که در مجلس بود، از دولت انتقادات جانانه‌ای می‌کرد و حالا خود در جایگاه نخست‌وزیری نشسته و سیبل انتقاد شده و برای او مشکل به وجود آمد. شاید دلش می‌خواست در اوج قدرت سقوط می‌کرد. من معتقدم اولین کسی که در ایران فهمید علیه او کودتا می‌شود خود دکتر مصدق بود، اما کنار نرفت. اگر کنار می‌رفت اسطوره نمی‌شد. من ۲۵ سال پیش مقاله‌ای نوشتم با عنوان -

